



روایت «ام نضال فرحات» بانوی فلسطینی از آخرین روزهای حیات شهید «عماد عقل»

# افطار به نیت شهادت

## ◀ پناهگاه مبارزان بی پناه

قبل از آشنایی با عماد عقل، از فرزندانم شنیده بودم که برخی از مبارزین در غزه برای پنهان شدن دچار مشکل هستند و حتی خانواده و آشنایان آنها هم از پناه دادن به آنها امتناع می کنند. خب برای من عجیب بود. وقتی که این افراد جان خود را کف دست گرفته اند، مردم هم باید برای کمک به آنها هر کاری که می توانند بکنند. برای همین به اتفاق همسر و پسرانم تصمیم گرفتیم تا پناهگاهی برای آنها درست کنیم.

این مساله برمی گردد به اوایل سال ۱۹۹۳ که عماد عقل تحت تعقیب صهیونیستها قرار داشت و یک سالی می شد که از «الخلیل» به غزه برگشته بود اما کسی به او پناه نمی داد و عماد مجبور بود دائم محل اقامات خود را تغییر دهد. یکی از پسرانم (وسام) درباره عماد با من حرف زده بود و من هم از او خواستم تا عماد را به خانه مان بیاورد. این اولین باری بود که عماد را از نزدیک می دیدم.

ام فرحات از جمله بانوان فلسطینی حوزه مقاومت فلسطینی بود که فرزند خود را راهی مبارزه با رژیم صهیونیستی کرد و رهبر انقلاب اسلامی در سخنانی از وی تجلیل کردند. در سال ۱۹۹۲ «عماد عقل» فرمانده شاخه نظامی حماس و مبارز دلاور و قهرمانی که صهیونیستها او را «صاحب ۷ جان» می خواندند، به منزل ام نضال پناهنده شد و سرانجام در ۲۴ نوامبر سال ۱۹۹۳ در منزل وی به محاصره بیش از ۲۰۰ نظامی رژیم صهیونیستی درآمده و پس از مبارزه ای جانانه با صهیونیستها، جام شهادت را سر کشید. برای تشریح آخرین ساعت حیات شهید عماد عقل به سراغ اظهارات این شاهد عینی رفته ایم که در ادامه می خوانید.